

گفت و گو با اکرم پورنگ نیا، قاضی بازنشسته درباره مسائل زنان

آنجا که قانون، بی رحمانه است

سمیه ملاتبار
نویسنده

آن روزها وقتی یک اتفاق ناگوار را برای مادر بزرگم تعریف می کردیم، خوب گوش می داد و در دلش غصه می خورد و ماجرا که تمام می شد، یک آه بلند می کشید و می گفت: «بد از پیش خدا نیاید مادر جان» و من همیشه پیش خودم فکر می کردم مگر می شود بد هم از پیش خدا بیاید؟

اگر پایت به یکی از دادگاه های خانواده باز شده و سرو کار شما با قانون افتاده باشد، می دانی که برای طی این مسیر باید کفش آهنین بپوشی و اعصاب پولادین داشته باشی. شاید این دادگاه چیزی بیشتر از یک راهروی بلند با چند اتاق کوچک و چند نیمکت و تعدادی سرباز و عده ای مراجعه کننده نباشد؛ اما دنیایی است برای خودش. یکی نشسته و زل زده به روبه رو و تند پاهایش را تکان می دهد، دیگری ایستاده و پایه پا می شود، آن یکی قدم های تند برمی دارد و هی می رود و می آید.

آن وسط کودکان خردسال هم دیده می شوند که بدشان نمی آید طول راهروی بلند را بدونند و از پله ها بالا و پایین بروند، اما با تشریزهای گاه عصبی و گاه ساکت، مجبور به نشستن شده اند. صدایی که از توی اتاق بلند می شود، یک اسم را می خواند. صاحبان اسم بلند می شوند و برای تعیین سرنوشت شان به اتاقک کوچک تعیین سرنوشت می روند و فقط خدا می داند قرار است چه پیش بیاید. اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در دادگاه می بینم و فرصت حرف زدن با آنها را پیدا می کنم، سال ها مشکلاتی را تجربه کرده اند تا بالاخره به این نتیجه رسیده اند که نمی شود تحمل کرد!

اکثرشان نمی توانند ثابت کنند

ملیحه می گوید که ماه هاست خرجی نگرفته. می گوید شوهرش بعد از غیبت های طولانی، هر وقت به خانه می آید دست رویش بلند می کند. این روند سال هاست که ادامه دارد. می گوید احتمال می دهد که شوهرش به یک چیزی اعتیاد پیدا کرده باشد. می گوید و می گوید. همه را به دادگاه هم گفته اما چون برای ادعاهایش مدرک ندارد، قانون کمکی نمی تواند به او بکند. «خانم پورنگ نیا» موارد متعددی دیده که زن حتی اعتیاد همسر را هم نتوانسته اثبات کند.

اکرم پورنگ نیا؛ ۵۰ ساله است که سابقه قضاوت دارد. می گوید بیشتر مراجعه کنندگان توانایی اثبات ادعاهایشان را ندارند: «موارد زیادی از خانم ها مراجعه می کنند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند یا به اعتیاد همسرشان مطمئن هستند یا ترک اتفاق شده اند، اما به این دلیل که هیچ مدرکی برای ثابت کردن این موارد ندارند، قانون این ادعاها را از ایشان نمی پذیرد. حتی در صورتی که زن و شوهر زیر یک سقف زندگی کنند، دادگاه ادعای ترک نفقه را هم رد خواهد کرد چرا که معتقد است زن مسکن دارد و مرد هم به حد کفایت برای خانه خرج می کند. در صورتی که نفقه رفع تمامی نیازهای متعارف زن است و ممکن است مرد برخی از این نیازها را اجابت نکند. در این جور موارد هم زنان نمی توانند ادعای ترک اتفاق شان را ثابت کنند یا در مورد ضرب و شتم، به دلیل عرف و عادت که خانم های ایرانی دارند، هر بار که این اتفاق برایشان می افتد به دنبال شکایت نیستند و سعی در آبروداری دارند؛ به همین دلیل مستندی که محکمه پسند باشد هم در دست ندارند. «ثبوت یک چیز است و اثبات چیز دیگر، اما وقتی حق و تکلیف به یک طرف

سنگینی کند، تساوی سلاح برای خواهان و خوانده ممکن است به هم بخورد. آن قدری که برای خوانده یا مرد بستری فراهم است که راحت تر مسلح باشد و از ادله بی نیاز. از آن طرف خواهان یا زن ممکن است به آن اندازه مسلح نباشد.» وقتی می پرسیم که آیا در صورت عدم توانایی زن در اثبات این موارد، دادگاه راهکاری یا کمکی به این جریان می کند یا نه؟ پاسخ می دهد: «زن اگر نتواند ادله ای جمع آوری کند که مرد سوء رفتار دارد یا نتواند ادله ای جمع آوری کند که مثلاً مرد مدتی است غایب است یا نفقه نمی دهد، این ضعف در جمع آوری ادله نمی تواند دادگاه را مجبور به تحقیق و تفحص کند. به هر حال برای اثبات دعوی باید یکسری ادله محکمه پسند را هم جمع آوری کرد.»

اکرم پورنگ نیا به عنوان قاضی بازنشسته که در یکی از شهرهای کوچک، کار خود را با دادیاری دادسرای عمومی، آغاز و با دادیاری دیوان کشور به پایان رسانده، در ادامه گفت و گو از خاطراتش گفت: خاطرات تلخ و شیرین زیادی در طول مدتی که اشتغال به کار داشته ام، وجود دارد. هر زمانی که احساس کردم حقی از ناحق تشخیص داده شده یا به عبارتی حق به حق دار رسیده، خاطره شیرینی برایم رقم زده شده. اما خاطراتی که من در مقام حل اختلاف بین زوجین، برای حل مشکلات آنها تلاش کرده ام و بازگشت آنها به زندگی و به نتیجه رسیدن تلاش هایم، شیرین ترین خاطرات من بوده است.

به عنوان فردی که بیش از سه دهه از زندگی را با پایه قضایی خدمت کردم، اعتقاد و باورم این است که زنان قابلیت احراز سمت های مختلف را به عنوان قاضی دارند و حضور آنها بویژه در دادگاه های خانواده و اطفال یعنی در جایی که دیدگاه مادرانه هم به کمکشان می آید، در مقام صدور حکم ضروری است. زنان یکی از اقشار آسیب پذیر جامعه هستند و به همین خاطر است که وقتی در گرداب دزدی، اعتیاد، قتل یا هزار بزه دیگر گرفتار شوند، شرایط بسیار ناگوار در زندگی شان ایجاد می شود، بنابراین این انتظار از دولت و نظام حقوقی بیجا نیست که با تصمیم گیری در خصوص حضور همیشگی یک قاضی مستشار زن در دادگاه ها، باب جدیدی را به روی بررسی مشکلات زنان در دادگاه ها بگشایند.

«استخوان لای زخم» یا «به خاطر بچه ام می مانم»

آن قدر گرفته و ناراحت به نظر می رسد که بعید می دانم شیوه های معمول هم برای باز کردن سر صحبت جواب دهد. سردخترک پنج، شش ساله ای روی پایش است و او همان طور که به بچه خیره شده، گل سر کوچکی که به موهای دخترک وصل است راهی باز می کند و دوباره به موها می چسباند. می گویم: «مدرسه می ره؟» سرش را بلند می کند و می گوید: «سال دیگه. سال دیگه شش سالش تموم



اکرم پورنگ نیا، قاضی بازنشسته، کارش را در یکی از شهرهای کوچک، با دادیاری دادسرای عمومی آغاز و با دادیاری دیوان کشور به پایان رسانده

موارد زیادی از خانم ها مراجعه می کنند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند یا به اعتیاد همسرشان مطمئن هستند یا ترک اتفاق شده اند، اما به این دلیل که هیچ مدرکی برای ثابت کردن این موارد ندارند، قانون این ادعاها را از ایشان نمی پذیرد